بررسی سیمای پیامبراکرم (ص) در دیوان خواجوی کرمانی

دکتر علی محمّد مؤذنی[1]

شهین خاکباز[2]

چکیده

شاعر کم آوازه‌ی خطه کرمان، خواجوی کرمانی در عین حال که اشعار پرمغز و آراسته به انواع دقایق و ظرایف داشته از دسترسی افکار عامه دور افتاده است. شاید یکی از موجبات عدم معروفیت خواجو، شعرای هم زمان و هم دوره‌ی او بوده است؛ وگرنه به قول دولتشاه سمرقندی:

«خواجو در زمان حیات نزد عموم اهالی ایران معروفیتی به کمال داشته است».

خواجو در صنایع شعری قوی و زبردست بوده و به تمام مضامین شعری آشنایی داشت و هر یک را در جای خود قرار می‌داد به طوری که او را "نخلبند"شعرا نامیده‌اند. همین امر باعث شیرینی و جذابیت شعر او گردیده است. این مقاله قصد دارد به بررسی سیمای رسول اکرم (ص) در دیوان خواجو که یکی از بهترین و با ارزش ترین آثار ادب پارسی به شمار می‌آید بپردازد تا این شاعر کرمانی بیشتر شناخته شود.

کلید واژگان: دیوان خواجو، سیمای رسول اکرم (ص)، تلمیح، اسماء و القاب پیامبر.

۱- دکتر محمّدعلی مؤذنی استاد دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، تهران، ایران

۲- شهین خاکباز دانش آموخته کارشناسی ارشد ورودی ۸۹، واحد دانشگاه آزاد واحد کرج، تهران، ایران

درآمد

خواجوی کرمانی حکیم شـــاعر و عرف بزرگ قرن هشتم از مفاخر ادب و هنر این دیار اســـت. مردی کـــه عظمت وجودش در پس ابرهای ابهام پنهـــان مانده و آن گونه که باید شـــناخته نشده اســـت. در تاریخ ادبیات ایران، خاصه در میان شاعران معاصر، تنها چند چهره درخشـــان می‌توانیم بجوییم که خارج از رســـم معمول شعرای درباری هند شـــاعری را در خدمت آرمان‌های عقیدتی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گمارده اند؛ وبانظم حاکم ســـر ناسازگاری داشته‌اند، گاه شورنده و بی پروا چون ناصرخسرو، گاه بـــه طعن و تعریض چـــون حافظ و زمانی به هزل و طنز چـــون عبید زاکانی علیه ســـتمگران؛ و این به دنیا فروشـــان تاریخ با سلاح اندیشـــه به پیکار برخاسته‌اند گرچه تعدادشـــان فزونتر از آن اســـت که امروز آثارشـــان به دست ما رســـیده است و تطاول زمان و تجاوز ســـتمبارگان در محو نامه و اثر بسیاری از آنان مؤثربوده است اما همین نمونه‌هایی که بر تارک هنر و ادبیات ما می‌درخشـــد بـــرای تنبّه هنرمندانی که خامه و اندیشـــه در خدمت زر و زور می‌گمارند و گماشته‌اند، کافی است. وقتی خبر می‌رسید که اولین مدرســـه شیخ الرئیس ابوالقاســـم علی بن محمد از بزرگان نامیه بیهق بسته و مدرس آن، امام علی عارف سعید علی بن ابی طالب مفسر قرآن و فقیه شیعی دستگیر و پیاده از بیهق به غزنین عازم می‌شـــود و حســـنک وزیر به جرم آرمان خواهی بر دار می‌رود و ناصرخسرو قبادیانی عمری در به در و بی خانمان، عاقبت دریگان و دور از وطن مألوف جان می‌سپارد، اما این گردونه از حرکت باز نمی‌ماند و همچنان به پیش می‌رود. ابوالعطا کمال الدین متخلّص به خواجو ســـراینده اشعار پرشور را نیز می‌توان در زمره این شـــاعران محســـوب داشت؛شاعرانی که به کرامت انســـانی و ارزش‌های آرمانی می‌اندیشیده اند:

تا چه دیوند که خاتم ز سلیمان طلبند　　یا چه گبرند که آزار مسلمان طلبند

۲۷۵ ◇◇◇

که بعد از وی پیامبری نخواهد آمد و سلسله‌ی نسب آن حضرت بی واسطه به ابراهیم خلیل (ع) می‌رسد. نام مبارکش چهار بار در قرآن در سوره‌های آل عمران، احزاب، محمّد و فتح ذکر شده است.

نام او دلالت بر سعادت و کمال او دارد، نبوّت بر وی ختم است و مُهر محمدی، بر ماه، زیبایی و کمال بخشیده است. گوش جان حلقه بندگی اورا می‌کشد، بشیر است، به علّت پیمودن آسمان‌ها در حادثه معراج (مسّاح) است. پیامبر در پیمان و دوستی همچو الف راست است، برهمه پیامبران برتری دارد و آخرین ایشان است.

مصطفی مسندنشین بارگاه اصطفا مطلع صبح نبوت آفتاب انبیا

(دیوان، ص۲۳)

دست تو بحر را ندهد قطره‌ای مجال حلم تو کوه را ندهد ذرّه‌ای وقار

(دیوان، ص۵۶)

زندگی نامه حضرت محمد (ص)

پیامبر خاتم حضرت محمّد مصطفی صلّی علیه و آله و سلّم از پیامبران اولوالعزم الهی، هفدهم ربیع الاول سال عام الفیل مقارن با پانصد و هفتاد میلادی از آمنه دختر وهب در مکّه به دنیا آمد.

تولّد و مبعث آن حضرت زمانی بود که عرب در جاهلیت به سر می‌برد. خداوند رسول اکرم (ص) را در سرزمینی متولّد کرد که توحید و یگانه پرستی به فراموشی سپرده شده بود.

آن هاشمی نژاد که از فرط کبریا اوهام قاصرست از کنه کمال او

(دیوان، ص۱۳۰)

پدرش عبدالله در سن بیست وچهار سالگی همراه کاروانی به سمت شام رفته بود

۲۷۷ ◇◇◇

دختر که بر طبق تاریخ، پسران پیامبر، نبوّت پدرشان را درک نکردند.

نشکفت اگر ز رایـحه‌ی لطـف ایزدی بشکــفت غنچه‌ی خلفا از نهال او

(دیوان، ص۱۳۲)

در میان فرزندان آن حضرت، حضرت فاطمه (س) پیکره تمام نما از ابعاد وجودی یک انسان کامل، معصوم وپاک، حاضر در تمام صحنه‌های پر تنش تاریخ زمانش ذریّه پیامبر و نیز تنها حلقه پیوند واتّصال ائمه به پدر خویش است؛ که خداوند نوید سلاله مطهّر را با نزول سوره کوثر به ایشان عطا فرمود.

به نور چشم پیمبر که نور ایــمان بود عقیق صـفوت یاقـوت شرع را کـان بود

نبود هیچ به عذر احتیاجش از پی آن که شـمع جمع طهارت ازو فـروزان بود

از آن به وصلت او زهره شد به دلّالی که از شرف قمرش در سراچه دربان بود

(دیوان، ص۱۳۳)

ورای ذروه‌ی افـلاک آسـتانه اوست ز مرغـزار فرادیـس آب و دانه اوستت

(دیوان، ص۶۱۵)

در دیوان اشعار خواجو بیتی را می‌بینیم که به همنشینان او در بهشت به زیبایی یاد می‌کند:

کهینه سوری بیـت العـروس او سـاره کـمینه جاریه‌ی خــانه دار او هــاجر

(دیوان، ص ۶۱۵)

خواجوی کرمانی در بیتی به عمر کوتاه ایشان چنین اشاره کرده اند:

نگشت عمر وی از حی فزون ز روی حساب چــرا کــه زندگی او به حــیٍّ حنّان بود

(دیوان، ص۶۱۵)

می توان با بررســی آثارخواجو کرمانی این نکته را دریافت که وی در جای جای کلام خود به نعت سـیّد المرســلین، نبی گرامی اســلام اختصاص داده و می‌گوید: او

۲۷۹ ◇◇◇

طاق کسری در ازای بارگاهش منکسر قصر قیصر با وجود طاق ایوانش قصیر

(دیوان، ص۴۱)

ز بیـــمت پی طاق کـــــسری بجنبد زسـهمـت سر کـــاخ نـــوذر بلـــترزد

(دیوان، ص۲۵)

دریاچه ساوه که سال‌ها آن را می‌پرستیدند فرو رفت و خشک شد و وادی سماوه که ســال‌ها بود که کســی درآن آب ندیده بــود، آب آن جاری شــد. داناترین علمای مجوســی در آن شــب در خواب دید که شتر صعبی چند اسبان عربی را می‌کشند و از دجله گذشتند و داخل بلاد ایشان شدند.

براســاس آیه شــریف قرآن کریم، «مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»[1] پیامبر اســلام، آخرین پیامبر الهی بعد از تمام پیامبران می‌باشد.

اسما و القاب پیامبر اکرم

پیامبر دارای اسما و اوصاف متعدّد است؛ ازجمله: محمّد، احمد، مصطفی، ابوالقاسم، مختار، امین، خاتم النّبیین، سیّد، نبی و بشیر را می‌توان نام برد.

روز مــیمون تو فـرّخ باد و فا لـت روز به

بخت فیـــــروزت مبشّر باد و اقبــالت بشیر

(دیوان، ص۵۴۹)

شه سادات شرق و غرب کز احسان چو ابوالقاسم

جـهان عنصـــری را داده القــاب حـــسّانی

(دیوان، ص۱۲۵)

۱- سوره احزاب، آیه ۴۰

۲۸۱ ◇◇◇

با بهره‌گیری از تفاسیر و روایات و آیات توانسته حقِّ مطلب را به خوبی ادا نموده و قلم شیوای او رنگ صورخیال به خود گرفته و منظره‌ای را به تصویر کشیده که هنوز هم تازگی و طراوتش را در دل آثارش می‌توان دید و آنقدر زنده است که می‌توان آن را حس کرد و پا به پای قلم خواجو پیش رفت.

مشتعل از جبین او شمع سراچه‌ی هدی
منتسم از نسیم او غنچه‌ی باغ اهتدا

(دیوان، ص۹۵)

ز رنگ و بوی خط سبز و زلف غالیه رنگش
نسیم غالیه سا و زمانه غالیه آسا

(دیوان، ص۳۲۳)

ماه یا جنّت است یا رخسار
شهد یا شکر است یا گفتار

(دیوان، ص۲۲۶، غ ۴۹۱)

قدّ و بالای رسول خدا

از میانه بالا اندکی بلندتر بود و بسیار بلند نبود. [۱] اصولاً در شعر از همان آغاز پیدایش، توصیف محبوب و معشوق، جایگاه بلندی بر خود اختصاص داده است و هر قدر از آغاز تولّد شعر فارسی به دوران پختگی نزدیک می‌شویم، توصیف عاشقانه‌ی معشوق جایگاه بلندتری را به خود اختصاص می‌دهد تا جایی که در نزد برخی از شاعران که از بلندای نفس برخوردارند، به سبب عزیزتر و آسمانی تر شدن معشوقشان،

۱ – قمی، عبّاس، منتهی الامال، ج۱، ص ۶۱

۲۸۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۸۵ ◇◇◇

دندان و لب و زبان رسول اللّه (ص)

دندان هایش سفید و براق و گشاده بود. [۱] در جنگ احد شکستن دندان پیامبر به دست کافران و بخشیدن محمّد (ص) که هرچند پیامبر دهان خود را به خونابه شست و به بیرون انداخت. زبان پیامبر در جاهایی کلید حل مسائل و مشکلات بود و در جاهایی همانند جنگ بر سر دشمن بسان خنجر تیزی بود.

رشته دندانت از چشم نمی‌گردد جدا

لؤلؤ شهوار را از بحر عمّان چاره نیست

(دیوان، ص۸۵)

پیامبررحمت عالمیان

از صفات برجسته پیامبر (ص) دارا بودن خلق و خوی و نهاد و سرشت نیکو و پسندیده است. چنان که در قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است و می‌فرماید: «وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ...». [۲]

در مرصادالعباد می‌خوانیم: «دین را صفات بسیار است، هر صفتی را یکی از انبیا می‌بایست تا به کمال رساند چنان که آدم صفت صفوت به کمال رسانید... امّا آنچه (درهٔ التاج و واسطهٔ العقد) این همه بوده صفت محبّت بود و این صفت دین را محمّد (ص) را به کمال رسانید».

پناه ملک شمس الحق والدین آن فلک رفعت

که گرددچشم هفت اختر زخاک درگهش روشن

(دیوان، ص۱۱۳)

۱- قمی، عبّاس، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۱

۲-سوره قلم، آیه ۴

۲۸۷ ◇◇◇

می‌خوانیم:

«و رایت» شـفاعت را به دسـت کفایـت او داد که «و اعطیت الشـفاعهٔ» و نیزاگر در مقام شـفاعت جویی اول کسـی که غرقه کشـتگان دریای معصیت را به شفاعت دستگیری کند من باشم که«انا اول شافعٍ و مشفّعٍ». [1]

درحدیث قدسی آمده است: «الّهم قومی فأنهم لا یعلمون»[2] که حاکی از شفاعتگری ایشان در روز قیامت است. شاعر برای رهایی از کفران کارهای خطایی که انجام داده است کسی بهتر از رسول اکرم (ص) را نمی‌شناسد و او را واسطه قرار می‌دهد.

خـسرو عرش آسمان کرسی نشین کبریا
مهبط نامـــوس اکبـــر رحمهٔ للـــعالمین

(دیوان، ص۱۲۷)

گر جرم ما چو رحمت و فضل تو بی حدّست
آخر شـفیع ما نه به محشـر محمّد اسـت

(دیوان اشعار، ص۲۲۳)

دست خواجو گیر و برون آر ازین چاه تاریک
تا شـود با ســـاکنان عالم علوی قرین

(دیوان، ص۱۲۹)

بیـــرون ز رحمت تو نداریم دستـــگیر
ازپـافتـاده‌ایـم بـه‌فضـلـت کـه‌دسـتگیر

(دیوان، ص۱۳۲)

۱- رازی، نجم الدین، مرصادالعباد، عبدالله بن محمّد، به اهتمام دکتر محمّد امین ریاحی، صص ۱۳۳و۱۳۷
۲- فروزان فر، بدیع الزمان، احادیث معنوی، ص ۶۰

۲۸۹ ◇◇◇

هر چیزی را که برایش جالب به نظر می‌آید و در بین تمام پیامبران مشترک است و بیان برتری پیامبر ختمی مرتبت حضرت محمد (ص) بر ایشان است. به این نحو که هر پیامبری به علت نقوصی که در امر نبوت دچار شدند، از دریافت گوی قبولی که در میان دل انداخته بودند بازماندند و در این میان پیامبر اسلام توانست به برترین و بالاترین جایگاه دست یابد.

خواجو برای حضرت محمد (ص) عظمت و مقام والایی قائل است که نشان از احترامی است که پیامبر خاتم در نزد شعرا دارد. و خواجو به این گونه ارادت و دین خود را به پیامبر ادا نموده است. موضوعی که خواجو آن را نادیده نگرفته القابی است که در پیشگاه احدیت برخوردارند، پرداخته است و از حضرت محمد (ص) با القابی چون: محمود، بشیر، احمد، مصطفی، ابوالقاسم، مختار، نبی، سید، خاتم النبیین ذکر کرده است.

آن چه در بیان ویژگی پیامبر در دیوان خواجو بیشتر خودنمایی می‌کند، مقایسه پیامبر اسلام با سایر انبیا الهی، از آدم تا آخرین ایشان است که رسول اکرم (ص) را از نظر انتخابشان به رسالت خاتم النبیین و از نظر مقام و مرتبه سید المرسلین است، در جایگاه برتر می‌داند و صحت این گفته را در بررسی و کنکاش و مطالعات به دست آمده می‌توان دید که سیمای پیامبر در دیوان خواجو پر رنگ تر از سایر انبیا است. به گونه‌ای که به خصوصیات ظاهری و اخلاقی و روحانی پیامبر به گونه‌ای صریح اشاره شده است که برای خواننده اثرش دقیق ترین تصویر از سیمای پیامبر اکرم را تداعی می‌نماید که ایشان از عمق تفکر خواجو و دانش قرآنی و تفسیری اوست که از شاعران هم عصرش جا نمانده و حتی گوی سبقت را ربوده است.

۲۹۱ ◇◇◇